

تخلف میلیاردری در خرید تجهیزات سینما

تابلستان سال گذشته اتحادیه مراکز فنی و پشتیبانی تولید سینمای ایران نسبت به استاندارد نبودن سرورهای نمایش فیلم در سینماها و نداشتن امنیت، هشدار داد و خواستار اصلاح اشکالات موجود شد. همچنین انتقادهایی نسبت به اجرای برخی پروژه‌ها از جمله «شناسا» که در دولت قبلی مطرح شد، بیان می‌شد. برخی از این مسائل قرار بود در جلسه‌هایی بررسی شوند ولی گزارشی دقیق درباره آن‌ها منتشر نشد تا اینکه مدیریت سینما با استقرار دولت چهاردهم تغییر کرد. ایسنا ضمن اشاره به این موضوع بر مبنای خبری ارسالی از سوی روابطعمومی مؤسسه سینماشهر نوشت، در پی این تغییرات حبیب ایل‌بیگی به جای هاشم میرزاخانی به موسسه سینماشهر رفت و به تازگی اعضای هیئت‌مدیره اتحادیه مراکز فنی و پشتیبانی تولید سینمای ایران با حضور در مؤسسه سینما شهر با ایل‌بیگی دیدار و گفت‌وگو کردند. از جمله حاضران در این نشست محمد آلاپوش، نادر رضایی، هومان شیدرنگ، کامران سحرخیز، معصومه فردشاهین و جمعی از مدیران و مشاوران موسسه سینما شهر بودند.

از جمله نکات بااهمیت این نشست صحبت‌های نادر رضایی در مورد تخلف در قراردادهای میلیاردری با خرید از مغازه‌دار به جای شرکت بود. این صابردار با سابقه سینما و رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه مراکز فنی و پشتیبانی سینمای ایران با اشاره به ایرادات قانونی در تهیه قراردادهای بدون توجه به توصیه کارشناسان که توسط اتحادیه صورت گرفت، عنوان کرد: «ما تا جایی که بررسی کردیم خریدها از یک مغازه‌دار در خیابان جمهوری صورت گرفته بود و باتوجه به هزینه‌های میلیاردری اساساً قراردادهای باید با یک شرکت صورت پذیرد، نه با یک فرد و شخص خاص منعقد شود؛ آن هم تجهیزات بی کیفیت و اصطلاحاً برای مصرف خانگی که قرار بود به منظور استفاده در سالن‌های سینما تهیه شوند و تنها پاسخی که به ما داده شد پیرامون ثبت شرکت آن هم پس از خرید بود تا منع قانونی به وجود نیاید در حالی که مراجعه به اسناد موجود تاریخ ثبت شرکت و تاریخ خریدهای میلیاردری گواه این تخلف است.»

مدیرعامل مؤسسه سینما شهر پس از شنیدن این گزارش انتقادی با تأکید بر عدم ورود این موسسه در حوزه خرید تجهیزات فنی ابراز داشت: «موسسه سینما شهر باتوجه به مشکلات به‌وجودآمده به هیچ‌عنوان در بحث خرید تجهیزات فنی ورود نخواهد کرد، چراکه این موضوع سیاستی اشتباه بوده که پیش از این وجود داشته است. به همین دلیل به کمک‌های مشورتی متخصصان اتحادیه و کارشناسان نیازمندیم و ما در موسسه سینما شهر آماده همکاری در وجه مختلف هستیم.»

مدیرعامل مؤسسه سینما شهر همچنین با اشاره به نقش تنظیم‌گری به‌جای تصدی‌گری در این حوزه نیز افزود: «ما در دوره جدید مدیریت سیاست و هدف‌گذاری مان تنظیم‌گری به‌جای تصدی‌گری است و قرار نیست رقیب بخش خصوصی باشیم، اساساً نباید فراموش کرد که هرگاه به دنبال تصدی‌گری بودیم نتیجه‌ای جز انحصار به وجود نیامده است.»

ایل‌بیگی در ادامه اظهار داشت: «موضوع مهم دیگر همکاری با موسسه در تهیه یک پادمان آموزشی مهارت‌محور جهت توسعه و ارتقای فنی مهارت تکنسین‌های سینما است، چراکه در این خصوص ضعف‌های جدی وجود دارد و نیاز است مسئولان فنی سینماها به دانش روز مجهز شوند. همچنین همکاری با موسسه در خصوص شناسنامه‌دار کردن شکل‌ها، شرکت‌های تجهیزات فنی و ارائه‌دهنده خدمات فنی با سینماها موضوع مهم دیگری است که باید موردتوجه قرار گیرد.» او ابراز داشت: «همکاری در خصوص ارزیابی فنی سینماهای کشور و برآورد تجهیزات فنی موردنیاز تا پنج سال آینده نیز از جمله برنامه‌های پیش روی موسسه سینما شهر است.» ایل‌بیگی در پایان گفت: «مورد آخر در خصوص تدوین نظام استاندارد خدمات فنی سینمای ایران و ارتقای کیفیت این صنعت است. به‌طور طبیعی اگر خدماتی که ارائه می‌شود براساس کیفیت باشد، اتفاق‌های مثبتی صورت خواهد گرفت و باید به این نکته نیز به‌صورت ویژه توجه شود.»



میمونی گرفته ولی چون تازه این شخصیت وارد داستان شده، خیلی نمی‌شود درباره آن صحبت کرد. اما به‌هر حال اگر قرار بود او به‌ظاهر تبدیل به میمون شده باشد، می‌شد گریم آن را با کیفیت بهتری انجام داد. این که تنها محل رویش موهای پیشانی به‌تازگی تغییر پیدا کرده، باید از نظر ظاهری به بیننده الفاء کند که او میمون شده؟ شاید باید امیدوار بود این موضوع دسیسه‌ای باشد که در قسمت‌های آینده تکلیفش روشن شود.

▼ روی موج ترندها و اتفاقات وایرال شده

وقتی نقطه اوج‌های قصه کم و داستان لاغر باشد، نویسندگان برای جذابیت بیشتر متوسل به جملات تاثیرگذار می‌شوند، روشی که حالا مدتی است با پیروی از شبکه‌های اجتماعی و مخصوصاً اینستاگرام در محصولات نمایشی بسیار رایج شده. فصل هفتم «پایتخت» هم از این روش به‌شکل افراطی استفاده کرده. به‌طوری‌که در هر قسمت جملاتی از سوی شخصیت ارسطو گفته می‌شود و این جمله به سرعت تبدیل به ترند در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. ترند دیگری هم وجود دارد و آن استفاده از تکنیک وایرال شدن است. صفحات مجازی که وابسته به سریال هستند یا به‌شکلی ذی‌نفع، بخش‌هایی از دیالوگ‌های این سریال را برداشت می‌کنند و در قالب پست و استوری‌های اینستاگرامی یا ویدئوهای کوتاه توئیتری در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند. این اتفاق اگر در یک محدودده معقولی اتفاق می‌فتاد، قابل قبول بود. اما وقتی پس از هر قسمت، تکه‌تکه سریال و دیالوگ‌ها و مونولوگ‌هایش مدام در پیج‌های مختلف در حال گردش هستند، نمی‌شود پذیرفت که این حجم از تبلیغات غیرمستقیم، اتفاقی باشد.

از طرفی موضوع دیگر که در فصل هفتم خیلی بیشتر از فصل‌های دیگر برجسته شده، اصرار بر استفاده از مسائل اصطلاحاً ترند شده یا مورد توجه قرارگرفته در فضای مجازی است. آوردن نام شخصیتی مانند کلثوم اکبری یا مثلاً استفاده از ترانه‌های خواننده‌های لس‌آنجلسی در میان مکالمه‌ها از یک‌سوقصه را به زندگی مردم عادی نزدیک می‌کند. اما حقیقتاً وقتی فیلمنامه روی موج مسائل وایرال شده در فضای مجازی بیفتد، بیشتر از هر چیزی نشان از قصه‌ای است که وجود ندارد. البته شاید بتوان بخشی از این موضوع را به این ربط داد که به‌قول یکی از کاربران توئیتر، محسن تنابنده دیگر در تلاش برای خلق طنز نیست، بلکه سعی می‌کند طنزی که ایجاد شده است را دست‌به‌دست کند.

▼ حاشیه‌ها و شنیده‌ها

در کنار همه مسائل تکنیکی و ساختاری سریال «پایتخت»، موضوعی که بیشتر از همه فصل هفتم را از دیگر فصل‌ها جدا می‌کند، حاشیه‌ها، اتفاقات فرامتنی و شایعاتی است که درباره این سریال وجود دارد. مسائلی که شاید آن اعتماد و اقبال فصل‌های اولیه درباره این سریال را دچار تغییراتی کرد. شاید از برجسته‌ترین این مسائل بشود به اتفاقات بعد از سال ۱۳۹۸ اشاره کرد. در روزهایی که گروه تولید سریال «پایتخت» در حال ساخت فصل ششم این مجموعه بودند، اعتراضات گسترده‌ای نسبت به تلویزیون از سوی هنرمندان شکل گرفت. در جریان همین اعتراضات، محسن تنابنده که در جریان فیلمبرداری بود، در صحنه شخصی اینستاگرامش اعلام کرد که پس از پایان فصل ششم برای همیشه همکاری‌اش را با تلویزیون قطع خواهد کرد. اما منتها این اتفاق نیفتاد که پس از یک‌سال تنابنده با ساخت دو قسمت پایانی فصل ششم به تلویزیون بازگشت و از همان اسفندماه ۱۳۹۹، مدام شایعه و خبرهای پراکنده از مذاکرات او با تلویزیون رسانه‌ای می‌شد. این موضوع هنر تنابنده و انرژی که او در این ۱۴ سال برای خلق یک سریال دنباله‌دار محبوب صرف کرده را زیر سؤال نمی‌برد. حتی موفقیت‌های جهانی او در زمینه بازیگری، و چه دیگری از هنر او را به همه نشان داد. اما به‌هر حال شایعات باعث ایجاد فضایی شد که صفی از مخالفان و موافقان را در مقابل او شکل داد. این اتفاق شاید بیشتر از آن که برای خود پایتخت حاشیه داشته باشد، برای تنابنده به‌عنوان طراح، نویسنده و شخصیت اصلی این سریال حاشیه ایجاد کرد و نظر‌ها را نسبت به او تغییر داد.

موضوع برجسته‌تر دیگری که مخصوصاً در سال‌های اخیر و بدتر شدن شرایط اقتصادی بیشتر در مرکز توجه قرار گرفت و شاید به‌نوعی مخاطب و منتقدان را نسبت به سریال «پایتخت» دچار بدبینی کرد، موضوع دستمزد‌های بازیگران و عوامل این مجموعه بود. موضوعی که از فصل ششم و با راه افتادن همان حاشیه‌های ساخته نشدن ادامه پایتخت شکل دیگری به خود گرفت. حالا با پخش فصل هفتم مسئله دستمزد‌ها تبدیل به شایعات و خبرهایی شده که نه‌تنها در محافل هنری که میان مردم عادی هم در جریان است. اینکه رقم این دستمزد‌ها و بهره‌بردن از سود تبلیغات توسط بازیگران واقعیت دارد یا نه، موضوعی نیست که بتوان براساس آن کیفیت سریال را سنجید. چون اگر محصولی با کیفیت با هزینه کلان هم تولید شود که بتواند لحظات مفرحی را برای مخاطب عام ایجاد کند، می‌توان از این موضوع چشم‌پوشی کرد. اما به‌هر حال باتوجه به ضعف‌هایی که وجود دارد، نمی‌توان این موضوع را انکار کرد که وجود شایعات دستمزد‌ها هم بر نگاه مخاطب به این مجموعه اثرگذار است.

در موقعیتی قرار بگیرد که دخترانش به سن ازدواج و ترک خانه رسیده‌اند، به بدنه قصه اصلی کمک کرده. اما باز هم خود نقی معمولی است که بار حضور این دو شخصیت را می‌کشد. چون سارا و نیکی جدید با وجود این که هر دو دارای شخصیت اجتماعی مستقلی هستند، با بازی‌های ضعیف تنها به برجسته‌شدن شخصیت نقی در قرارگیری در یک شرایط جدید کمک کرده‌اند و خودشان عملاً حرفی برای گفتن ندارند.

دو شخصیت بهروز و سالار به‌عنوان فرزندان کوچک خانواده، تا اینجا‌ی کار به‌جز پر کردن فضا، اتفاق تازه‌ای رقم نزنند. با این که بهروز به‌واسطه فیزیک‌اش در برخی سکانس‌ها به کمدی قصه کمک می‌کند اما تاثیرگذاری‌ای که می‌شد این بازیگر با این فیزیک در طول داستان داشته باشد، عملاً به چند سکانس محدود شده. سالار هم به‌عنوان عضو جدید خانواده جز در قسمت اول که دلیل حضور و تغییراتی که به وجود آورده به‌صورت گذرا مطرح شد، عملاً آورده‌ای به سریال نداشته. تنها ویژگی قابل قبول حضور سالار، تشویق خانواده‌ها به پذیرش به سرپرستی گرفتن کودکان رهاشده در بهزیستی است.

ارشاد، خواستگار سارا با بازی سهیل مقدم، درواقع کاریکاتوری از یک خواستگار عاشق است که باز هم در مقابل نقی معمولی قرار می‌گیرد و برخورد نقی با اوست که به نقش ارشاد اهمیت می‌بخشد. حتی بیش از اندازه ساده و نخبه جلوه کردن ارشاد هم شخصیت‌اش را جذاب نکرده و بیشتر از واقعیت او را دور می‌کند.

▼ نقی و اکسیر جوانی

این موضوع انکارناپذیر است که بخش بزرگی از باورپذیری یک مجموعه نمایشی دنباله‌دار به تغییراتی وابسته است که در ظاهر و گریم بازیگران اتفاق می‌افتد. اما نکته‌ای که در فصل هفتم «پایتخت» نمی‌توان آن را نادیده گرفت، ضعف محسوس در گریم است. این موضوع درباره شخصیت نقی و ارسطو بیشتر از سایر کاراکترها نظر‌ها را جلب می‌کند. نقی معمولی در فصل‌های اول تا سوم سریال شمایل مردی را داشت که در یک زندگی عادی گرد گذر عمر در هر فصل به‌شکل باورپذیری روی سرش می‌نشست. در فصل پنجم هم تا حد زیادی این موضوع رعایت شد. در فصل ششم این موضوع به اوج خودش رسید. او راننده یک میاننده مجلس شده بود و موهای جوگندمی‌اش خیر از عبور او از میانسالی او می‌داد.

حالا اما با مردی رویه‌رو هستیم که دخترانش در شرف ازدواج هستند، اما گریم‌اش او را از فصل اول سریال پایتخت هم جوان‌تر نشان می‌دهد. انگار مانند فصل سه پایتخت باید بپذیریم که او موهایش را رنگ می‌کند، اما این موضوع گفته نمی‌شود. از طرفی، تنها مو که نشان از گذر عمر نیست، شخصیت نقی انگار از فصل ششم، سن‌اش روند نزولی پیدا کرده. بدن سرحال‌تر، صورت شفاف و ظاهری که نمی‌توان پذیرفت این همان کارگر ساده گچ‌بری ۱۴ سال پیش است که طی این سال‌ها اتفاقات و شکست‌های بسیاری را پشت‌سر گذشته.

گریم ارسطو هم از نکات قابل توجه فصل هفتم است. در کنار این که ارسطو بیشتر از آن که ارسطوی همیشه‌گی باشد، قنبر فیلم سینمایی «خجالت‌نکش» را دارد بازی می‌کند، گریم او هم به‌شکل اغراق‌آمیزی این شخصیت را از قالب همیشگی‌اش دور کرده. سبیل پریشتی یکی از ویژگی‌های همیشگی شخصیت ارسطو در این سال‌ها بوده، اما در فصل هفتم، سبیلی مصنوعی که حتی در قسمت‌های اول موقع حرف زدن از روی صورت ارسطو می‌پرید، گریم این شخصیت را بسیارغیرواقعی کرده. ارسطو هم مانند نقی، جوان‌تر شده و این اتفاق در قیاس با تغییرات دیگر بازیگران بیشتر محسوس است. رحمت با این که موهای خود را بلند کرده اما همان هم جوگندمی است. نقی و همسرش هم در طول این سال‌ها روند پی‌ری را به‌شکل قابل باوری طی کرده‌اند. اما انگار اکسیر جوانی تنها برای نقی و ارسطو بوده است.

نکته قابل توجه دیگر گریم به‌تازگی فریباست. پسر بزرگ فهیمه طی یک حادثه به یک بیماری نادر مبتلا شده و خوی



وقتی نقطه اوج‌های قصه کم و داستان لاغر باشد،

نویسندگان برای جذابیت بیشتر متوسل به جملات تاثیرگذار می‌شوند.

روشی که حالا مدتی است با پیروی از شبکه‌های اجتماعی و

مخصوصاً اینستاگرام در محصولات

نمایشی بسیار رایج شده. فصل هفتم «پایتخت» هم از

این روش به‌شکل افراطی استفاده کرده. به‌طوری‌که در

هر قسمت جملاتی از سوی شخصیت ارسطو گفته می‌شود

و این جمله به سرعت تبدیل به ترند در شبکه‌های اجتماعی

می‌شود

گرفتند، در فصول بعدی به آنها بیشتر پرداخته شد. مانند شخصیت فهیمه، بهبود، بهتاش، رحمت امینی و... در طول داستان هم برخی شخصیت‌ها مانند بابا پنجعلی و بهبود از قصه حذف شدند. در فصل هفتم هم تعدادی شخصیت جدید به بدنه اصلی سریال الصاق شدند. کاراکترهایی مثل شهربانو همسر ارسطو، ارشاد خواستگار سارا و پرزنگ‌شدن نقش برادران رحمت یعنی رحمان و رحیم. ازسوی دیگر بهروز، پسر کوچک فهیمه هم از شخصیت‌هایی است که طی این هفت‌فصل به‌مرور بزرگ شد و حالا در نقش یک پسر نوجوان قوی‌هیکل در این سریال حضور دارد. همچنین حضور و بازی سارا و نیکا در فصل هفتم، شکل دیگری گرفته. آنها که تا پیش از این فقط در حاشیه قصه و فضایکن بودند، حالا به محورهای اصلی خرده‌روایت‌های سریال تبدیل شده‌اند. اما مسئله مهمی که در این فصل‌های جدیدی که به داستان اضافه شده‌اند، اتفاق مهمی را در قصه رقم زده‌اند. یا اگر بخشی از بار قصه را به همراه دارند، خود شخصیت آنچنان درست ساخته و پرداخته نشده که بتواند برای مخاطب قابل پذیرش باشد. همه این کاراکترها درواقع در مسیر برجسته‌تر شدن شخصیت نقی پیش می‌روند تا او را در شرایط جدید قرار دهند و مخاطب واکنش‌های او را ببیند. این موضوع در فصل‌های گذشته هم وجود داشت اما در این ۱۳ قسمت که از فصل هفتم گذشته، به‌شکل عریان‌تری دیده می‌شود.

یکی از شخصیت‌های اصلی و جدید فصل هفتم، شهربانو معروف به شری با بازی شیوا مکی‌نیان است. او در ادامه همسرهای ارسطو که در هر فصل تغییر پیدا می‌کنند و قصه‌ای به داستان‌های سریال اضافه می‌کنند، وارد سریال شده. کاراکتر شهربانو براساس یکی از تعاریف قدیمی بازیگری، به‌صورت مشخصی نتیجه را بازی می‌کند و از همان قسمت اول به مخاطب نشان داد که قرار است با کاراکتری رویه‌رو باشد که اصطلاحاً رنگی به کفش دارد. اما شیوا مکی‌نیان، در مقایسه با حتی چوچانگ، همسر چینی سابق ارسطو تا اواسط سریال نتوانسته مخاطب را به خود جذب و همراه کند. بازی او بسیار مبالغه‌آمیز است و بیشتر از این که این شخصیت یک کاراکتر قابل باور باشد، به آن می‌شود به دید بخش تاریک وجدان ارسطو و رحمت نگاه کرد که در مقابل نقی قرار است بایستد.

سنا و سونیا حسینی در فصل هفتم، جایگزین سارا و نیکا فرقانی شدند و در نقش دوقلوهای خانواده معمولی حضور دارند. بازیگران جوانی که در ظاهر هیچ شباهتی به کودکی و نوجوانی سارا و نیکی قبلی ندارند. در این فصل اصرار بر این بوده که به‌دلیل بالا رفتن سن این دو کاراکتر، بخش زیادی از قصه در اختیار این شخصیت‌ها قرار بگیرد. این که نقی معمولی با همه ویژگی‌های شخصیتی‌اش مثل عدم تقدپذیری، سادگی و دردرساز بودنش، حالا